
قلاشی در
انسان شناسی تطبیقی

www.ketab.ir

سرشناسه	: کرمی، حسین، ۱۰-بهار-
عنوان و نام پدیدآور	: تلاشی در انسان‌شناسی، حسین کرمی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر سخن، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۵۱۶ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۹۴۳-۱.
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۴۹۹.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: انسان‌شناسی
موضوع	: Anthropology
رده‌بندی کنگره	: GN۲۵/۴ ا ۱۳۹۷
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۱۲۱۰۰



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

سابان حید نظری، شماره ۴۸

تلفن: ۶۶۴۰۵۰۶۲

www.sokhanpub.ir

E. mail: Sokhanpub@yahoo.com

Instagram. com/sokhanpublication

Telegram. me/sokhanpub

تلاشی در

انسان‌شناسی تطبیقی

نوشته: حسین کرمی

چاپ اول سخن (ویراست دوم): ۱۳۹۸

لینوگرافی: صدف

چاپ: مهارت

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۹۴۳-۱

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۶۶۹۵۳۸۰۴ و ۶۶۹۵۳۸۰۵

فروش آنلاین و پشتیبانی سایت: ۶۶۹۵۲۹۹۶

فهرست

مقدمه	۱۵
اهمیت و ضرورت موضوع	۱۸
علت تغییر نام کتاب و چارچوب کلی و فصول آن	۲۲
فصل اول: اصولی از حکمت متعالیه و اگزیستانسیالیزم	۲۹
۱. نگاهی به اصولی از حکمت متعالیه و زندگی صدرا	۳۰
اصالت وجود	۳۱
وحدت وجود	۳۴
تشکیک در وجود	۳۶
عینیت تشخص با وجود	۳۸
حرکت جوهری	۴۰
اتحاد عاقل و معقول	۴۴
تجرد قوه خیال	۴۷
معاد جسمانی	۴۸
ادراک کلیات و ارتباط نفس با عقل فعال	۵۰
مَثَل الهیه	۵۳
نفس در حدوث جسمانی و در بقا روحانی است؛ و در عین وحدت کل قواست.	
.....	۵۵
زندگی ملاصدرا	۵۷
روش فلسفی و منابع فکری صدرا	۵۸
جمع‌بندی اول	۶۱
۲. نگاهی به اصولی از فلسفه‌های اگزیستانس و زندگی کارل	
یاسپرس	۶۳
الف. تاریخچه و تعریف اگزیستانسیالیزم	۶۳
اگزیستانسیالیزم کهن	۶۴

۶۸.....	اگزستانسیالیزم نوین
۷۴.....	تعریف اگزستانسیالیزم
۷۸.....	ب. اندیشه‌های مشترک اگزستانسیالیزم
۷۸.....	مسئله وجود
۸۱.....	مسئله تفرد انسانی
۸۲.....	درون‌ماندگاری
۸۳.....	آزادی و اختیار، انتخاب و تصمیم
۸۷.....	حذف ارزش‌های اخلاقی
۸۸.....	گزاف بودن جهان
۸۹.....	دلهره، آشوب و لواپسی
۹۱.....	موقعیت‌های مرزی
۹۲.....	متعالی و تعالی
۹۴.....	وجود دیگران
۹۵.....	ج. زندگی کارل یاسپرس
۹۷.....	اندیشه‌های مؤثر بر یاسپرس
۱۰۳.....	جمع‌بندی دوم
	فصل دوم: حقیقت انسان از دیدگاه صد المتألهین و کارل
۱۰۹.....	یاسپرس
۱۱۰.....	مقدمه
۱۱۰.....	بخش اول - امکان‌شناسایی و تعریف انسان
۱۱۱.....	الف. امکان‌شناسایی حقیقت انسان از دیدگاه صد المتألهین
۱۱۳.....	ب. امکان‌شناخت و تعریف حقیقت انسان از دید یاسپرس
۱۲۱.....	بخش دوم - تعریف و توصیف حقیقت انسان
۱۲۲.....	۱. تعریف انسان از نظر ملاصدرا
۱۲۲.....	الف. انسان نفس ناطقه است

ب. انسان، حقیقت دارای مراتب است	۱۲۹
مرگ	۱۴۱
جمع‌بندی اول	۱۴۴
۲. تعریف انسان از نگاه یاسپرس	۱۴۶
مسئله وجود	۱۴۶
انسان نفس (Existenz) است	۱۵۰
مرگ	۱۶۱
جمع‌بندی دوم	۱۶۶
فصل سوم: ساخت‌های انسان از دیدگاه صدرا و یاسپرس و ارتباط آنها با یکدیگر	۱۷۱
مقدمه	۱۷۲
۱. صدرا و ساخت‌های انسان و نسبت آنها با یکدیگر	۱۷۲
ساخت عقل	۱۷۴
ساخت بدن	۱۷۵
ساخت نفس	۱۸۳
ارتباط نفس و بدن	۱۸۹
نفس در حدوث جسمانی و در بقا روحانی است	۱۹۳
جمع‌بندی اول	۲۰۲
۲. ساخت‌های انسان و نسبت آنها با یکدیگر از دید یاسپرس	۲۰۹
دازاین	۲۰۹
آگاهی کلی (محض)	۲۱۲
ذهن (Spirit)	۲۱۳
اگزیتنز	۲۱۵
اهمیت عنصر ارتباط در فلسفه یاسپرس	۲۱۸
فراگیرنده	۲۱۹

۲۲۲	ویژگی‌های حقیقت انسان یا Existenz
۲۲۹	جمع‌بندی دوم
	فصل چهارم: عرصه‌های اصلی نفس از دیدگاه ملاصدرا و
۲۳۱	یاسپرس
۲۳۳	مقدمه
۲۳۴	۱. دیدگاه صدرا در عرصه‌های نفس انسانی
۲۳۶	الف. عرصه علم و ادراک و تعقل
۲۳۷	ماهیت علم و ادراک
۲۴۰	علم حصولی و علم حضوری
۲۴۲	مقامات حس و احساس و مراتب آن
۲۵۲	ادراک‌های خیالی و قه خیال
۲۵۵	عقل و مراتب آن
۲۶۰	اتحاد عاقل و عقل معبر
۲۶۷	نفس در عین وحدت، دل قواست
۲۷۰	ب. عرصه لذات و آلام (انفعالات)
۲۷۱	تعریف لذت و الم
۲۷۵	انواع لذایذ و مراتب آن
۲۷۸	شادی و غم و مانند آن
۲۸۱	عشق
۲۸۴	متافیزیک انفعالات
۲۸۶	آزادی، اختیار، اراده، عمل
۲۸۷	اراده و مراتب آن
۲۹۴	اختیار
۳۰۱	آزادی
۳۰۶	کنش، عمل
۳۱۴	جمع‌بندی اول

۳۱۷	۲. یاسپرس و عرصه‌های نفس آدمی
۳۱۷	الف. ماهیت علم و دانایی و شناخت
۳۱۸	نسبت علم و شناخت با "هست بودن" Existenz
۳۲۳	انواع فهم و شناسایی
۳۲۷	تقابل و دوگانگی ذهن و عین
۳۳۵	فراگیرنده
۳۴۱	حقیقت
۳۴۷	ویژگی‌های علم تجربی
۳۵۳	ب - عواطف، احساس‌ها و انفعالات
۳۵۴	ملاحظات دربارۀ انفعالات و احساس‌ها
۳۵۹	رنج
۳۶۱	ترس
۳۶۳	دلهره، اضطراب و دلشوره
۳۶۵	عشق و کشمکش
۳۶۶	گناه
۳۶۷	احساس شکست
۳۶۸	ج. عمل و کنش، اراده و انتخاب و آزادی
۳۷۰	عمل
۳۷۲	اراده
۳۷۳	آزادی و انتخاب
۳۷۹	موانع آزادی
۳۹۳	جمع‌بندی دوم
۳۹۷	فصل پنجم: ارتباط و نقش آن در تحقق انسان
۳۹۹	مقدمه
۴۰۰	۱. ارتباط از دیدگاه صدرا
۴۰۱	ارتباط انسان با خود

۴۰۳	ارتباط انسان با خدا
۴۰۶	ارتباط انسان با عالم
۴۱۰	ارتباط انسان با دیگران
۴۱۴	جمع‌بندی اول
۴۱۶	۲. ارتباط از دیدگاه یاسپرس
۴۱۷	ارتباط انسان با عالم
۴۲۵	ارتباط انسان با دیگران
۴۲۸	ارتباط انسان با خود
۴۳۲	ارتباط با متعالی
۴۴۰	جمع‌بندی دوم
۴۴۳	فصل ششم: زیبایی و نتیجه‌گیری
۴۹۷	فهرست منابع
۵۰۵	نمایه

پس آنکه معرفت نفس ندارد
نفسش وجود ندارد.^۱

دفعه دوم

مطالعه تطبیقی انسان‌شناسی صدرای و کارل یاسپرس عنوان کتاب روبروست. توجه به چند نکته ضرورت در هدف این کتاب و نیز علت انتخاب شیوه تطبیقی در آن را نشان می‌دهد. اما قبل از آن در نظر داشتن این اصل ضروری است که در یک مطالعه تطبیقی آن مبادی تصویری و تصدیقی‌ای از اطراف تطبیق مورد توجه و آگاه قرار می‌گیرد که به کار مقایسه بیاید و راه را در تطبیق آرا بگشاید و تبعاً اندیشه‌ها و ایده‌های خاص که در هر دو طرف پژوهش مابازاء ندارد خودبه‌خود مهجور می‌ماند و یا به قدر درخور مورد تعمق قرار نمی‌گیرد. در این تلاش مختصر نیز باید توجه داشت که همه ظرایف و ژرفای اندیشه صدرای و یا همه ابعاد تفکر یاسپرس در حوزه انسان

۱. رساله سه اصل، ص ۱۴.

دیده نشده و طبعاً حق آن ادا نشده است. در اینجا روش مطالعه از اهمیت برخوردار بوده و فرض شده که خواننده با عنایت به این روش دامن انتظار خود را از طرح عمیق و مستقل افکار این دو فیلسوف برمی‌چیند و فقط به دایره ممکن تطبیق اکتفا می‌کند. البته روشن است که مطالعه تطبیقی نه در اینجا و نه در پژوهش‌های دیگر خود مقصد و منظور تحقیق نیست بلکه روشی است که برای فهم درست‌تر و جامع‌تر یک مسئله انتخاب می‌شود. به عبارت بهتر این مطالعه به منظور شناخت یک مسئله در پرتو کار مقایسه‌ای و تطبیقی رخ داده و خود تطبیق و مقایسه موضوعیت نداشته و ندارد. انتخاب این روش برای بحث انسان‌انگیزه‌های متعدد داشته از جمله:

۱- مطالعات تطبیقی، ضمن پرده‌برداری از وحدت‌ها و وفاق‌ها، غفلت‌ها و کاستی‌ها را نیز نمایان می‌کند و همین خاصیت، یکی از محرک‌های تکامل معرفت فلسفی است.

۲- با انجام مطالعات تطبیقی ضمن آنکه وسعت و عمق و استحکام فلسفه اسلامی و فلسفه غربی برای قضاوت منصفانه‌تر در معرض یکدیگر قرار می‌گیرد، آشکار می‌شود که فلسفه غربی و فلسفه اسلامی — برخلاف آنچه به ناروا شایع شده است — در همه وجوه نسبت به یکدیگر دو قطب مخالف و ناشکیبا نیستند. زیرا این دو جریان مهم فکری، نه در حقیقت مسائل و نه در روش‌های تفکر، تفاوت سازش‌ناپذیر ندارند بلکه امکانات بسیاری وجود دارد که بتواند به تفاهمی عمیق و مفید میان این دو گروه تفکر انسانی منجر شود.

"با طرح بحث‌های تطبیقی و گفت‌وگوهای طرفینی معلوم می‌شود که راه خردمندان از هم جدا نیست؛ و فلاسفه این‌سوی و

آن‌سوی جهان نه تنها در اهداف خود توافق نظر دارند بلکه در متدلوژی عقلانی نیز اختلاف مهمی که آشتی‌ناپذیر باشد، ندارند^{۱۱} این گفته به معنای انکار هر نوع اختلاف در این حوزه نیست که این خود نگاهی غیرعلمی است. چرا که اختلاف نظر از اجزای جدانشدنی و لازمه تحقیق اجتهادی در هر مسئله نظری است و این نه تنها بیان حوزه‌های متفاوت فکری وجود داشته، بلکه در درون اردوگاه‌های فکری نیز به وقوع پیوسته و منشأ برکات فراوان بوده است.

خلاصه آنکه، گرچه شناخت عمیق و جدی هریک از این دو منظومه فکری مسیر تحقیقاتی دیگری دارد ولی در اینجا تلاش شده با رویکردی غیرمستقیم که وجه تمایز اصلی روش تطبیقی با سایر روش‌های پژوهشی است این تعارف رخ دهد. در این روش با دو مرحله توصیف و تبیین روبرویم که در مرحله توصیف بایستی پس از استقصای نظرات و طبقه‌بندی آنها و دریافت مواضع خلاف و وفاق به کشف مواضع واقعی و ارزیابی هریک گذر نمود.

در این مسیر، علت طرح سؤال اصلی برای دو سوی تطبیق، مبانی فکری مصرح و غیر مصرح هریک، پیشینه تاریخی دیدگاه و نظرات رقیب، همه مورد توجه‌اند. از سوی دیگر در مقام توصیف و دیدگاه نمی‌توان از لوازم معرفتی و آثار عینی و نیز نتایج منطقی آن به‌تر در امر تطبیق غفلت نمود. در مرحله تبیین در پرتو یک قاعده کلی به یک چرا پاسخ داده می‌شود. در این کتاب جز در موارد معدودی

۱. آفاق فلسفه از عقل ناب تا حکمت احکام (گفت‌وگوهایی با دکتر مهدی حائری یزدی)، ص ۷۲.

ثقل عمده و اصلی کار متوجه مقام توصیف در حوزه انسان‌شناسی صدرای و یاسپرس است.

اهمیت و ضرورت موضوع

همان‌گونه که از عنوان کتاب پیداست، موضوع مورد پژوهش، ترسیم حقیقت انسان در دو نظام فلسفی متفاوت — یعنی در حکمت و تعالیه صدرای و اگزیستانسیالیزم یاسپرس — است. انسان و شناخت حقیقت او در هر دو نظام فکری از جایگاه رفیع و مهمی برخوردار است که چون التفات بدان این تطبیق تمام نیست. صدرای در رساله سه اصل می‌گوید: "و آن جهل است به معرفت نفس که او حقیقت آدمی است؛ بنام ایمان به آخرت و معرفت حشر و نشر ارواح و اجساد، به معرفت این است و اکثر آدمیان از آن غافل‌اند؛ و این معظم‌ترین اسباب شقاوت ناکامی عقباست که اکثر خلق را فرو گرفته در دنیا. چه هرگز معرفت نفس حاصل نکرده، خدای را شناسد... پس آنکه معرفت نفس ندارد، نفسش وجود ندارد. زیرا که وجود نفس، عین نور و حضور و شورا است" ^۱ هم او برای خودشناسی یا شناخت نفس، فضایی را برمی‌شمرد که اهل آنها عبارت‌اند از:

"اول آنکه به واسطه آن (شناخت نفس از نفس) اشیای دیگر شناخته می‌گردد و هرکه بدان جاهل و بی‌خبر باشد، از همه چیز بی‌خبر و جاهل است.

دوم آنکه نفس انسانی مجموعه تمام موجودات است. هرکس آن را شناخت، تمام موجودات را شناخته است.

سوم آنکه هرکس نفس خود را شناخت، عالم را شناخته و هرکس

عالم را شناخت، در مقام مشاهده خداوند — تبارک و تعالی — است...
چهارم آنکه به وسیله شناخت روح خود، عالم روحانی و بقای آن
عالم را خواهد شناخت و به وسیله شناخت جسد و پیکر خود، عالم
جسدی و تلاشی و نابودی آن را می شناسد. پس پستی امور فانی و
نابود شونده ها را و برتری امور باقی و شایسته ها را می شناسد.

پنجم آنکه هرکس نفس خود را شناخت، دشمنان خود را که در
آن پنهانند خواهد شناخت.

ششم آنکه هرکس نفس خود را شناخت، می داند که آن را چگونه
اداره و رهبری کند و هرکس که تواند عالم را رهبری نیکو باشد.

هفتم آنکه هرکس آن را شناخت، در هیچ کس بدی و نقصی
نمی بیند مگر آنکه آن را در خود وجود می بیند.

و هشتم آنکه هرکس نفس خود را شناخت، در واقع خدای خود
را شناخته است و روایت شده که هر کتابی آسمانی خداوند نفرستاد
مگر آنکه در او نوشته است: ای انسان خدای خود را بشناس.^۱

از نظر ملاصدرا مسلمانی که به قرآن اعتقاد دارد، باید در ابتدا
انسان را بشناسد و به احوال و اسرار و مقامات و درجاتش علم پیدا
کند. قرآن نسخه ای است که کمال انسان و مقامات این حایه ربانی
را شرح می دهد. انسان نیز مانند نسخه عنصری است که جامع تمام
عوالم کونی و عقلی و عوالم مابین آنهاست. آنکه انسان را بشناسد،
چنان است که کل را شناخته است و آنکه به انسان جاهل باشد،
نسبت به کل جاهل است.